

مشکل الحدیث و سهم آن در مجموعه دانش‌های حدیثی

محمد مهدی مسعودی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اقلید

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۱۰

سنت به عنوان گسترده‌ترین منبع دریافت قوانین و احکام شرع مقدس اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. علومی که به این منبع می‌پردازند، علوم حدیثی نامیده می‌شوند که سه بخش «مصطلح الحدیث»، «رجال الحدیث» و «فقه الحدیث» را دربر می‌گیرد. مختلف الحدیث و مشکل الحدیث نیز به عنوان شاخه‌های فقه الحدیث از طلایه‌داران این رسالت عظیم هستند؛ اما سهم مشکل الحدیث در این مجموعه موضوعی است که در مقاله حاضر بررسی خواهد شد.
کلید واژه‌ها: دانش‌های حدیثی، مشکل الحدیث، فقه الحدیث، اختلاف الحدیث.

مقدمه

با توجه به جایگاهی که حدیث به عنوان یکی از منابع استنباط دینی دارد، فهم حدیث بدون شناخت درست و دستیابی به مقاصد و مفاهیم آن ممکن نیست و از همین رو امروزه دانش فهم حدیث با اصطلاح فقه الحدیث، مترادف شده است.^۱ سخن آقا بزرگ تهرانی را در

معرفی موضوع این علم بنگرید:

«موضوع فقه الحدیث، خصوصاً متن حدیث است که در آن به شرح لغات حدیث و بیان حالات آن از جهت نص، ظاهر، عام، خاص، مطلق، مقید، مجمل، مبین، معارض و یا غیر معارض بودن آن

۱. معارف، ضوابط فهم حدیث در لسان اهل

بیت علیهم السلام، ص ۷۴.

←

پرداخته می شود»^۱.

از این رو می توان گفت: «فقه الحدیث دانشی است که قواعد منطقی و عقلایی فهم متن را به منظور دستیابی به مقصود اصلی شارع به کار می برد»^۲.

اهمیت فقه الحدیث که در روایات با مضمون «درایة الحدیث»^۳ یاد شده، به اندازه ای است که نقل روایت بدون توجه به آن به هیچ انگاشته شده است.^۴ «علیکم بالدرایات لا بالروایات، همّة السفهاء الروایة و همّة العلماء الدرایة»^۵ و نیز: «همّة العاقل الدرایة و همّة الجاهل الروایة»^۶ و نیز: «حدیث تدریه خیر من ألف ترویه»^۷ و نیز: «کونوا درائین و لا تكونوا روائین فلخبر تدریه خیر من ألف خبر ترویه»^۸.

با این توصیفات معلوم می شود که سفارش معصومین علیهم السلام به نقل حدیث و رواج آن نیز به عنوان پیش زمینه ای برای فهم دقیق معانی و انتقال معارف والای آن بوده است و این خود اهمیت فقه الحدیث را به عنوان علم برتر در مجموعه علوم حدیثی ثابت می کند.^۹

پافشاری بر فهم درست و نقادانه حدیث و پیشگیری از نشر اکاذیب و نافهمیها، سیره همیشگی اهل بیت عصمت و طهارت بوده است. امیرمؤمنان علیه السلام در وصف این خاندان می فرماید: «عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلًا وَعَايَةَ وَرَعَايَةَ لَا عَقْلَ سَمَاعٍ وَرَوَايَةَ وَإِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرُعَاةَهُ قَلِيلٌ»^{۱۰} و در روایتی دیگر: «لَا تُحَدِّثُ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ فَكَفَى بِذَلِكَ كَذِبًا»^{۱۱}.

سفارش ائمه علیهم السلام بر نقد و عرضه احادیث^{۱۲}، تبیین واژه های حدیث نبوی

۱. تهرانی، الذریعة فی تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۵۴.
۲. طباطبایی، روش فهم حدیث، ص ۵.
۳. دریتة، دریا و دریة و درایة: علمته. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۹).
۴. طباطبایی، روش فهم حدیث، ص ۲.
۵. کراچکی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۱.
۶. دیلمی، اعلام الدین، ص ۸۷.
۷. صدوق، معانی الاخبار، ص ۲. در برخی از اخبار نیز به جای «حدیث» لفظ «خبر» آمده است: (نعمانی، الغیبة، ص ۲۲).
۸. دیلمی، اعلام الدین، ص ۹۵.

۹. طباطبایی، روش فهم حدیث، ص ۶۳.
۱۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۶؛ ترجمه: دین را چنان که باید دانستند و به کار بستند؛ نه آن که تنها آن را بشنوند و برای دیگران نقل کنند که راویان علم بسیارند و پاسداران آن اندک.
۱۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶۰؛ مسعودی، روش فهم حدیث، ص ۲۵.
۱۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹.

احادیث مشکل را پیشه خود ساختند که نتیجه آن پدید آمدن شاخه‌ای از فقه‌الحديث با نام مشکل‌الحديث است. در ادامه چند و چون این شاخه از دانش‌های حدیثی بررسی خواهد شد.

مشکل‌الحديث

ابن فارس می‌گوید: «الشين والكاف واللام معظم بابه المماثلة، تقول: هذا شكل هذا، أي: مثله»^۵. در لسان‌العرب آمده است: «أشکل الأمر: إلتبس، و أمور أشکال: ملتبسة»^۶ و بالاخره در معجم الوسيط آمده: «أشکَل الأمر: إلتبس ... و استشکل علیه: أورد علیه إشکالاً... الإشکال: الأمر یوجب التباساً فی الفهم»^۷. به این ترتیب مشکل، چیزی است که فهم آن جز با دفع اشکال ممکن نیست.

برای اشکال سابقه‌ای است به درازای عمر بشر؛ بلکه همگام با ظهور تکلیف. اولین کسی که اشکال نمود، ابلیس بود؛ زمانی که طغیان کرد و از طاعت

توسط ائمه علیهم‌السلام^۱ و اشاره آن بزرگواران به اسباب صدور حدیث در جهت تبیین معنای حدیث^۲ و نیز پرسش‌های اصحاب از کلمات و عبارات حدیثی در دوران حضور^۳ را باید بر تأکیدات یاد شده افزود و البته تلاش محدثان شیعه و سنی پس از دوران حضور در شرح احادیث در ضمن جوامع حدیثی یا به صورت مستقل که تاکنون نیز ادامه دارد؛ از دیده‌ها پنهان نیست.^۴ اما در این میان گروهی شرح

۱. معانی الاخبار، ص ۲۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۱.

۳. معانی الاخبار، ص ۳۱۶.

۴. تلاش‌های محدثان در این زمینه را می‌توان به خوبی در جوامع روایی متقدم و متأخر مشاهده نمود. هم‌چنین تألیفات مستقل در زمینه علل الحدیث، شرح الحدیث، اختلاف الحدیث، مشکل الحدیث و... را می‌توان از این‌گونه تلاش‌ها به شمار آورد، به عنوان نمونه می‌توان کتاب‌های علل الحدیث، معانی الحدیث والتحریر و تفسیر الحدیث از ابوجعفر محمد ابن خالد برقی (م ۲۸۰ق) (بنگرید به: رجال النجاشی، ص ۷۶)، معانی الاخبار، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و تهذیب الاحکام و الاستبصار فیما اختلف من الأخبار از شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و... را از متقدمین و السوفی از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق) و بحار الأنوار مرحوم مجلسی (م ۱۱۱۱ق) و مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار از مرحوم شبیر (م ۱۲۴۲ق) و... را از متأخرین برشمرد.

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۰۴.

۶. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۷.

۷. معجم الوسيط، ص ۴۹۱.

پروردگار خود سر باز زد: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (ص/۷۶) که البته اشکال او اشکالی مذموم است؛ چراکه نه از روی حقیقت‌طلبی بلکه از سر تکبر و اعراض سر زده است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که اشکال در بیشتر موارد، نسبی است؛ به این گونه که گاهی در حالی که موضوعی برای شخصی محل اشکال است؛ برای دیگری بی اشکال است که این امر به اختلاف سطح افهام بر می‌گردد. بدین سان در تعریف علم «مشکل الحدیث» می‌توان گفت: «شاخه‌ای است از فقه الحدیث که به دفع اشکال از حدیث می‌پردازد».

تعاریف دیگری هم گروهی از اندیشمندان برای این علم ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم:

علامه مامقانی مشکل الحدیث را حدیثی می‌داند که مشتمل بر الفاظ سختی است که معانی آن‌ها را جز افراد

۱. عسّس، دراسة نقدية في علم مشکل الحديث، ص ۶۲.

خبره نمی‌دانند یا حاوی مطالب پیچیده‌ای است که جز دانایان توان فهم آن را ندارند.^۲ دکتر نورالدین عتر حدیثی را که با قواعد در تعارض و در نتیجه موهم معنای باطلی بوده یا با نص شرعی دیگری در تضاد باشد مشکل می‌داند.^۳ اما اما از نظر سماحی حدیث مشکل، حدیث صحیحی است که در کتب مشهور و معتبر آمده و با دلیل قطعی از عقل یا حس یا علم و یا امر ثابت در دین در تعارض بوده؛ لکن امکان تأویل آن بر وجهی قابل قبول وجود دارد.^۴ اسامه خیاط هم احادیث یاد شده از رسول خدا ﷺ و البته با اسانید مقبول را که ظاهر آن‌ها معانی محالی را بر می‌تابد یا معارض با قواعد شرعی ثابت است مشکل نامیده است^۵ و بالاخره مؤلف کتاب *دراسة نقدية في مشکل الحديث*

۲. مامقانی، مقباس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۱، ص ۳۱۶. محقق کتاب در پاورقی خاطر نشان می‌کند که تعریف استرآبادی در لب اللباب (خطی) نیز همین گونه است. (همان)

۳. عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۳۳۷.

۴. www.alsunnah.com به نقل از سماحی،

المنهج الحدیث فی علوم الحدیث، ص ۱۵۷.

۵. خیاط، مختلف الحدیث بین المحلّاتین و الاصولیین الفقهاء، ص ۳۲.

به اسباب اختلاف حدیث و همچنین جلوگیری از تضییع حدیث از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است.^۳

رابطه مشکل الحدیث و مختلف الحدیث

در تعریف مختلف الحدیث گفته شده: علم بحث از احادیثی است که به ظاهر در تنافی بوده و توافقی ندارند؛ خواه این تنافی واقعی بوده یا ظاهری باشد؛ به گونه‌ای که جمع و توفیق میان آن امکانپذیر باشد.^۴

کاربرد ترکیب «مختلف الحدیث» نسبت به «مشکل الحدیث»^۵ پیشینه‌ای درازتر دارد و در مواردی نیز «مختلف الحدیث» بر «مشکل الحدیث» اطلاق شده است؛ چنان‌که دکتر نورالدین عتر

با انتقاد از کاربرد ترکیب «مشکل الحدیث» به جای «استشکال الحدیث»^۱ در تعریف آن می‌گوید: «مشکل الحدیث مجموعه قواعد و روش‌هایی است که کتاب و سنت در نحوه تعامل با نصوص به ما می‌آموزند و صحابه نیز بر آن‌ها ملتزمند»^۲، که البته نادقیق بودن این تعریف پوشیده نیست. به نظر می‌رسد از میان تعاریف یاد شده، تعریف دکتر عتر دقیق‌تر و روشن‌تر است؛ زیرا قواعدی که دکتر عتر در تعریف خود یاد نموده می‌تواند کتاب، سنت، عقل، اجماع، تاریخ و ... را شامل شود.

مهم‌ترین فایده‌ای که می‌توان برای این علم یاد نمود، دفع ایراد و اشکال از ساحت احادیث و حفظ دین از طعن مخالفان و معاندان است؛ اما باید گفت فایده‌های مشکل الحدیث منحصر به فایده مذکور نیست؛ بلکه این علم از جهت عدم انحصار آن به شاخه خاصی از علوم اسلامی و شمولیت آن بر فقه و عقاید و تفسیر و ... و نیز امکان دستیابی مجتهد

۱. عسعس، *دراسة نقدية في علم مشکل الحدیث*، ص ۵۲ و ۵۳.
۲. همان، ص ۵۶.

۳. www.alsunnah.com.
۴. احسانی فر، *اسباب اختلاف الحدیث*، ص ۱۱-۱۴.
۵. مؤلف کتاب *دراسة نقدية في علم مشکل الحدیث* می‌گوید: این علم از سوی دانشمندان به نام‌های مختلفی خوانده شده است: اختلاف الحدیث، مختلف الحدیث، مشکل الحدیث، مناقضة الأحادیث و بیان محامل صحیحها، علم تلفیق الحدیث؛ اما نام‌های مختلف الحدیث و مشکل الحدیث متداول است. (*دراسة نقدية في علم مشکل الحدیث*، ص ۵۷).
۶. مانند کتاب *تأویل مختلف الحدیث* ابن قتیبه که برخی اطلاق نام «تأویل مشکل الحدیث» را بر

←

می‌گوید: «مختلف الحدیث، ربما سمّاه المحدثون مشکل الحدیث»^۱. در آثار قبل از ابن صلاح و حتی حاکم نیشابوری نیز نامی از «مشکل الحدیث» به میان نیامده است^۲.

از این‌رو در تفاوت میان مشکل الحدیث و مختلف الحدیث باید گفت: اختلاف حدیث زمانی است که میان دو حدیث تعارض صورت بگیرد، در حالی که مشکل همیشه در اثر تعارض دو حدیث پدید نمی‌آید؛ چراکه جایی که تعارض میان حدیث و آیه و یا حدیث و اجماع و یا حدیث و عقل و ... است؛ نیز مشکل آفرین است.

بدین‌سان باید گفت: مشکل اعم از تعارض و اختلاف است؛ چنان‌که تعارض اعم از اختلاف می‌باشد؛ زیرا اختلاف زمانی است که میان دو حدیث تعارض باشد، در صورتی که تعارض شامل دیگر انواع اختلاف نیز می‌شود^۳.

→ آن مناسب‌تر دانسته‌اند. (بنگرید به: حماد، مختلف الحدیث بین الفقهاء و المحدثین، ص ۶۵).

۱. عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۳۳۷.

۲. www.alssunnah.com.

۳. همان.

شاید بتوان گفت رسالت کتب حل مشکل الاخبار این است که علاوه بر فهم حدیث، دفع شبهه را نیز بر عهده دارد؛ به عبارت دیگر، رسالت فقه‌الحدیث رفع ابهام از احادیث است؛ در حالی که مشکل الحدیث علاوه بر رفع ابهام، شبهه را نیز دفع می‌کند؛ بنابراین فقه‌الحدیث عام است و مشکل الحدیث خاص. با این وصف می‌توان گفت مشکل الحدیث شاخه‌ای از فقه‌الحدیث است که از احادیث دفع شبهه می‌کند.

پیشینه مشکل الحدیث

در میان کتب فقه الحدیثی کمتر کتاب مستقلی با عنوان عام «مشکل الحدیث» یافت می‌شود. مشکل الآثار ابوجعفر احمد ابن محمد بن سلامة الطحاوی (م ۳۲۱ق)، مشکل الحدیث و بیانیه از ابن فورک (م ۴۰۶ق)، کشف المشکل من حدیث الصحیحین از ابن جوزی (م ۵۹۷ق) و مشکلات الاحادیث النبویة و بیانها از عبدالله بن علی النجدی (م ۱۳۵۳ق) و مشکلات الاحادیث و الجمع بین النصوص المتعارضة از جمله آثار مستقل اهل سنت و کتاب مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار از سید عبدالله شبر

(م ۱۲۴۲ق) تنها اثر مستقل و جامع شیعه با عنوان مشکل الحدیث است؛ گرچه رساله‌های کوچک بسیاری در این زمینه در شمار مخطوطات کتابخانه‌های مختلف موجودند که هر یک به شرح یک یا چند حدیث مشکل پرداخته‌اند.^۱ ملامهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) در ضمن کتابی که در حل مشکلات علوم نگاشته، به حل مشکلات پاره‌ای از اخبار نیز اقدام نموده است.^۲

۱. به عنوان نمونه، رساله‌های زیادی را می‌توان در شمار مخطوطات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی مشاهده نمود. (بنگرید به: موسوی و متقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۸۴ و ۸۵ و ۱۲۸ و نیز: حسینی، همان، قم، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۹ و نیز: مرعشی نجفی، همان، قم، ۱۳۸۳، ج ۳۲، ص ۳۹۲-۳۹۴ و ۸۹۴؛ برخی از این رساله‌ها در جواب اشکالات عده‌ای در خصوص چندین حدیث نگاشته شده است. به عنوان مثال مرحوم آقا بزرگ از رساله «الإصفهانیة فی شرح بعض الأحادیث المشکلة» از شیخ احمد بن زین الدین إحسانی نام برده که آنرا در جواب سؤال برخی از اهالی اصفهان نگاشته است. (الدریعة، ج ۲، ص ۱۲۴).

۲. نراقی در این کتاب به حل مشکلات پاره‌ای از آیات و اخبار و اشعار پرداخته و برخی از مسائل و قضایای غامض هندسی را که در طول قرن‌ها همواره مطمح نظر و مورد بحث میان اعظم دانشمندان بوده است مورد بحث قرار

با توجه به این که «مختلف الحدیث» نیز شاخه‌ای از «مشکل الحدیث» محسوب می‌شود، باید گفت کتبی که در زمینه مختلف الحدیث نگارش یافته نیز در زمره آثار مشکل الحدیث محسوب می‌شوند. از این رو با توجه به مطرح بودن جدی مسأله تعارض اخبار در قرون نخستین، تألیفات در خصوص «مشکل الحدیث» به شکل عام و «مختلف الحدیث» به شکل خاص در میان شیعه هم پیشینه‌ای دراز خواهد داشت؛ چرا که عالمان شیعی نیز از همان زمان به تحریر نوشته‌هایی در این زمینه دست زده‌اند.

مشهور میان اهل سنت است که اولین تصنیف در موضوع اختلاف الحدیث از محمد بن ادريس شافعی (م ۲۰۴ق) است.^۳ این در حالی است که بنا بر

→ داده است. (بنگرید به: نراقی، مشکلات العلوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷ش؛ شایان ذکر است که این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۰۵ قمری با چاپ سنگی منتشر شده است).

۳. طحاوی، شرح مشکل الآثار، مقدمه ج ۱، ص ۹. نووی می‌گوید: و صنف فیہ الإمام الشافعی و لم یقصد استیفاءه بل ذکر جملة ینبه بها علی طریقہ. (نووی، التقریب و التیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر فی اصول الحدیث، ص ۸۰).

گزارش نجاشی، یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ق) از محدثان شیعه کتابی در این موضوع داشته است^۱ که برخی محققان، تاریخ تألیف آن را پیش از کتاب شافعی دانسته‌اند:

کتاب یونس بن عبدالرحمان در اواسط امامت امام موسی کاظم علیه السلام - که شهادت ایشان در سال ۱۸۹ق آن هم بعد از حبسی که حدود هفت سال به طول انجامید؛ بوده است - نوشته شده و از طرفی کتاب مذکور مشتمل بر سؤالات یونس بن عبدالرحمان از امام علیه السلام می‌باشد و از همین رو باید تألیف آن قبل از حبس امام علیه السلام بوده باشد، حال آن‌که شافعی - که بین سال‌های ۱۵۰ تا ۲۰۴ق می‌زیسته - کتابش را پس از تبحر در فقه و حدیث در اواخر عمرش نوشته است؛ زیرا وی در اوایل عمرش به فقه اشتغال نداشته، بلکه در آغاز به تیراندازی اهتمام داشته، به گونه‌ای که در این فن متبحر شده و پس از آن به شعر و لغت و ایام العرب پرداخته و سرانجام به فقه و حدیث رو

آورده است^۲.

از جمله پیشکسوتان تألیف در موضوع اختلاف الحدیث از امامیه، بزرگان زیر می‌باشند:

یونس بن عبدالرحمان (م ۲۰۸ق) و کتاب *اختلاف الحجج*، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق) و کتابش *موسوم به اختلاف الحدیث*^۳، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ق) و کتابش *موسوم به اختلاف الحدیث*^۴، محمد بن احمد بن داوود قمی (م ۳۶۸ق) و کتابش *موسوم به الحدیثین المختلفین*^۵، محمد بن محمد ابن نعمان (شیخ مفید) (م ۳۳۶ق) و کتاب *جواب المسائل فی اختلاف الأخبار*^۶، محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق) و کتاب *الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار*.

و بالاخره برخی از پیشکسوتان تألیف از اهل سنت در اختلاف الحدیث نیز از این قرارند:

محمد بن ادريس شافعی (م ۲۰۴ق) و

۲. اسباب اختلاف الحدیث، ص ۳۰.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۴. طوسی، الفهرست، ص ۶۲ و ۶۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۸۴.

۶. همان، ص ۴۰۰.

۱. مراد نجاشی از اختلاف الحجج همان اختلاف الحدیث است. رجال النجاشی، ص ۴۴۷.

کتاب *اختلاف الحدیث*^۱، عبدالله بن مسلم
ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ق) و کتاب
تأویل مختلف الحدیث، ابوجعفر محمد
ابن جریر الطبری (م ۳۱۰ق) و کتاب
تهذیب الآثار^۲.

هرچند محدثان شیعه و سنی به آثار
مذکور بسنده نکرده و تلاش برای تألیف
کتب مستقل در این زمینه را ادامه دادند،
بلکه در خلال بحث‌های کتب فقهی و
اصولی خود به خصوص در باب تعارض
ادله، به این موضوع پرداخته‌اند.^۳

نگاشته‌های مشکل الحدیثی

همان‌گونه که گفته شد، با احتساب
مختلف الحدیث به عنوان شاخه‌ای از
مشکل الحدیث باید گفت: نگارشها در
خصوص مشکل الحدیث فراوان‌اند؛ اما
جدای از آثاری که در اختلاف الحدیث
نگاشته شده‌اند؛ نگارش‌های مستقل با
عنوان عام مشکل الحدیث چندان قابل
توجه به نظر نمی‌رسند. در ادامه سیر
نگارش‌های مستقل در مشکل الحدیث با
موضوع عام را از نظر می‌گذرانیم.

۱. تأویل مختلف الحدیث از عبدالله بن

مسلم بن قتیبه دینوری

مؤلف انگیزه خود را از نگاشتن

→ علی‌رضا بن عبدالله بن علی‌رضا، دار المأمون
للتراث، بیروت، ۱۴۱۶ق).
۳. اسباب اختلاف الحدیث، ص ۲۹.

۱. این کتاب تصنیفی مستقل در موضوع مختلف
الحدیث محسوب می‌شود و مؤلف در این
کتاب به دیگر انواع حدیث مشکل پرداخته
است و از همین رو مضمون کتاب با عنوان
آن مطابقت دارد. از نظر وسعت و تنوع
موضوعات نیز باید گفت که این کتاب به
مسائل فقهی اختصاص یافته و موضوعات
عقیدتی را شامل نمی‌شود. شافعی در کتابش
قصد پرداختن به جمیع احادیث متعارض را
نداشته است؛ بلکه هدف او ذکر نمونه و بیان
کیفیت برطرف نمودن تعارض احادیث بوده
است. (www.alssunnah.com)

۲. نام کامل این کتاب، *تهذیب الآثار و تفصیل
الثابت عن رسول الله ﷺ من الأخبار* است که
مؤلف آن را به ترتیب مسانید در اجزای متعددی
مرتب ساخته، اما تنها سه جزء آن به ما رسیده
است: جزئی که شامل بخشی از مسند عمر بن
خطاب است؛ جزئی که شامل بخش اخیر از
مسند علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و بالآخره
جزئی که در آن بخشی از مسند عبدالله بن
عباس موجود می‌باشد. (طبری، *تهذیب الآثار*،
مطبعة المدنی، قاهره، ۱۴۰۲ق، ج ۴، مقدمه
محمود شاکر، ص ۶) شایان ذکر است که یکی از
محققان به احیای جزء مفقودی از این کتاب
اقدام نموده است که اوایل مسند عبدالرحمان بن
عوف، مسند طلحة بن عبیدالله و پس از آن
مسند زبیر بن عوام را شامل است. (طبری،
تهذیب الآثار (الجزء المفقود)، دراسة و تحقیق
←

کتاب، رد بر طعن متکلمان در خصوص وجود تناقض و اختلاف در حدیث بیان نموده، می‌گوید: هدف ما در این کتاب رد بر زنادقه و تکذیب کنندگان آیات الهی و پیامبرانش نبوده است، بلکه غرض ما ردّ بر مدعیان وجود تناقض و اختلاف و معانی مستحیله در روایات، از میان منتسبین به اسلام بوده است.^۱ این کتاب گروه‌های مختلفی از احادیث را در خود جای داده است:

۱. احادیثی که متهم به تناقض‌اند.^۲
۲. احادیثی که ادعای مخالفت آن‌ها با کتاب خدا شده است.^۳
۳. احادیثی که به مخالفت با عقل محکوم‌اند.^۴
۴. احادیثی که مخالف با اجماع دانسته شده‌اند.^۵

۵. احادیثی که قیاس آن‌را باطل می‌کند.^۶
۶. احادیثی که با عیان مخالف‌اند.^۷
۷. احادیثی که قسمتی از آن ناقض

قسمت دیگر است.^۸

۸. احادیثی که با نظر و استدلال قابل تکذیب‌اند.^۹

بدین سان معلوم می‌شود که کتاب ابن‌قتیبه به موضوع مختلف الحدیث اختصاص ندارد، بلکه به طور عام، «مشکل الحدیث» را شامل است و از همین روست که برخی از محققان قائل‌اند که بهتر بود مؤلف، کتابش را «تأویل مشکل الحدیث» می‌نامید؛^{۱۰} همانگونه که کتاب دیگری با عنوان *تأویل مشکل القرآن* دارد.^{۱۱}

۲. *مشکل الآثار از ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامة الطحاوی*^{۱۲}

این کتاب را قاضی ابوالولید ابن رشد

۸. همان، ص ۲۴۵.

۹. همان، ص ۲۴۸.

۱۰. حماد، *مختلف الحدیث بین الفقهاء و المحدّثین*، ص ۶۵.

۱۱. www.alsunnah.com.

۱۲. این عنوان، عنوان مشهور کتاب است که چاپ‌های قدیم و ناقص، با این عنوان منتشر شده است: ۱. حیدرآباد، مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ۱۳۳۳ق، ۴ مجلد ۲. القاهرة، مؤسسة قرطبة السلفية، ۱۴۰۰ق، ۴ مجلد؛ اما در سال ۱۴۱۵ق به صورت کامل با تحقیق شعيب الأرناؤوط با عنوان شرح مشکل الآثار توسط مؤسسة الرسالة در بیروت در شانزده مجلد چاپ شده است.

۱. ابن‌قتیبه، *تأویل مختلف الحدیث*، ص ۱۱۷.

۲. همان، ص ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴.

۳. همان، ص ۱۱۱، ۱۸۰، ۱۸۱.

۴. همان، ص ۹۱، ۹۴، ۱۶۵.

۵. همان، ص ۲۴۱.

۶. همان، ص ۱۳۷.

۷. همان، ص ۹۳.

این کتاب با وجود وسعت و جامعیتی که دارد (دربدارنده موضوعات عقاید و آداب، فقه و فرائض، اسباب نزول و قرائات و ...)؛ دارای ترتیب و نظم خوبی نبوده، به گونه‌ای که احادیث مربوط به یک موضوع، پراکنده یافت می‌شوند و از این رو کسی که در جست‌وجوی یک مسأله است ناگزیر از واریسی همه ابواب کتاب می‌باشد و به همین دلیل سخاوی در توصیف آن گفته است: این کتاب از بهترین کتاب‌های اوست؛ لکن قابل اختصار بوده، از ترتیب و تهذیب بی‌نیاز نمی‌باشد.^۳

۳. مشکل الحدیث و بیانیه از ابن فورک^۴

احادیث این کتاب به موضوع عقاید و آن هم به اسماء و صفات الهی اختصاص دارد؛ احادیثی که ظاهر آن‌ها موهم تشبیه و تجسیم بوده، ابن فورک تلاش می‌کند

۳. www.alsunnah.com

۴. این کتاب چند بار تحقیق و چاپ شده است: ۱. حیدرآباد دکن، مطبعة جمعية دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۶۲ق، ۲. تحقیق عبد المعطی امین قلعه‌چی، حلب، دار الوعی، ۱۴۰۲ق، ۳. تحقیق موسی محمد علی، القاهرة، دارالکتب الحدیثة، ۱۳۹۹ق.

(م ۵۲۰ق) همراه با حذف اسانید احادیث و تقلیل طرق و اختصار الفاظ بدون اخلال در معنی خلاصه نموده و در ضمن عناوینی مرتب نموده است. سپس قاضی ابوالمحاسن یوسف بن موسی الحنفی، مختصر ابن رشد را تلخیص نموده و آن را *المعتصر من المختصر من مشکل الآثار* نامیده است که چاپ شده و متداول است. اما خالد محمود الرباط به مرتب نمودن اصل کتاب *مشکل الآثار* اقدام نموده، به گونه‌ای که آن را به بیست و پنج کتاب به ترتیب موضوعات فقهی تقسیم نموده است که با کتاب الایمان آغاز کرده و به کتاب الفتن و سپس کتاب القيامة و الجن و النار پایان داده است و آن را *تحفة الأخیار بترتیب شرح مشکل الآثار* نامیده است که در ده مجلد به چاپ رسیده است.^۱

از بیانات طحاوی^۲ استفاده می‌شود که وی در تدوین این کتاب سه هدف را دنبال نموده است: ۱. شرح مشکلات احادیث ۲. استخراج احکامی که در آن‌هاست. ۳. دفع ناپاوری‌ها از آن‌ها.

۱. همان.

۲. *مشکل الآثار*، ج ۱، ص ۳.

آن‌ها را از ظاهرشان به تأویل برده، مراد آن‌ها را مطابق با مذهب اشعری آشکار سازد. این صفات عبارت‌اند از: الید، الأصابع، القدم، النزول، الضحک، العجب، الفرح، الاستواء، العلو.

این کتاب که درباره عقاید مکتب اشعری نوشته شده، از سه بخش مرتبط با یکدیگر تشکیل شده است: بخش اول آن که شامل بیش از ۷۵ حدیث است؛ احادیث موهمه تشبیه را در بر دارد که مؤلف اقدام به تأویل آن‌ها نموده است. بخش دوم در رد بر کتاب *التوحید* ابن خزیمه است که شامل ده حدیث از احادیث صفات است. مؤلف، ابن خزیمه را در حمل احادیث بر ظاهر تخطئه نموده و مماثلت را از ذات باری تعالی نفی نموده است. بخش سوم کتاب نیز در ردّ بر کتاب *الأسماء و الصفات* از ابی بکر احمد بن اسحاق الصبغی (تولد: ۲۵۸ق) است که شامل بیست فصل در تأویل صفات خداوند متعال است.^۱ مؤلف، کتاب خود را با این سخن به پایان برده است: کامل شد بیان احادیث

۱. *مختلف الحدیث بین الفقهاء و المحدّثین*، ص ۷۲-۷۴.

صحیح‌ای که موهم تشبیه و دستاویز قائلان به تجسیم و مورد طعن ملحدان بود و توضیح آنچه که باطنش بر جاهلان مخفی و مورد انکار ضایع کنندگان عمل بود...^۲

ابن فورک محدّثان را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروهی اهل نقل و روایت و درج اسانید و تمیز صحیح از سقیم آن‌ها هستند، در حالی که گروهی دیگر از محدّثان جنبه تحقیق در شیوه‌های نظر و سنجش در آن‌ها غالب است و سعی در پرده‌برداری از ترتیب فروع بر اصول و نیز ازاله شبهه از ساحت حدیث دارند^۳ که البته ابن فورک در کتابش همت خود را بر محقق نمودن هدف دسته دوم به کار بسته است. بالاخره مؤلف کتاب *مشکل الحدیث و بیانیه میان صحت و سقم سندی احادیث*، تفاوتی قائل نشده و هر دو قسم را در لزوم تأویل در یک سطح انگاشته و از همین رو برخی بر او خرده گرفته‌اند؛ از جمله ابن تیمیه که به هنگام سخن از تأویلات متکلمان می‌گوید: اینان احادیث صحیح را در کنار

۲. ابن فورک، *مشکل الحدیث و بیانیه*، ص ۴۹۹.
۳. همان، ۳۷.

احادیث موضوع گذاشته، و معتقد به لزوم تأویل جملگی آنها هستند؛ همان‌گونه که ابوبکر بن فورک در کتاب مشکل الحدیث چنین کرده است.^۱

۴. کشف المشکل من حدیث الصحیحین از ابن جوزی

ابن جوزی این کتاب را به منظور شرح احادیث مشکلی که در صحیح بخاری و صحیح مسلم است؛ با تکیه بر کتاب الجمع بین الصحیحین از حافظ ابی‌نصر حمیدی اندلسی (م ۳۸۸ق) نگاشته است. از آن‌جا که حمیدی کتاب خود را بر اساس مسانید مرتب ساخته است، ابن جوزی نیز با پیمودن شیوه او کتابش را به همین شکل ترتیب داده و نه به شیوه کتاب‌های فقهی و همین امر بهره‌گیری از آن را دشوار کرده است.^۲

وی در مقدمه اشاره می‌کند که در کتابش سعی او برطرف نمودن اشکال معنوی از احادیث است؛ چرا که عنایت

به این امر شایسته‌تر است، به خصوص این‌که حمیدی کتابی در شرح غریب از مفردات احادیث صحیحین نوشته و نیاز را برطرف نموده است.^۳

موضوعات و احادیث کتاب متنوع بوده، به گونه‌ای که فنون متعددی را شامل می‌شود که البته سهم فراوانی از آن به مسائل فقهی اختصاص دارد.^۴ همچنین مؤلف به شرح الفاظ غریب و بیان اعراب الفاظ و تصاریف و اشتقاق‌ها و دلالات آنها همراه با استشهاد به اقوال لغویون و اشعار عرب پرداخته است.^۵ با وجود این، برخی ایرادهایی را بر این کتاب وارد دانسته‌اند؛ از آن جمله ایرادهای دکتر علی‌البواب در مقدمه‌ای است که بر این کتاب نوشته است؛ نقدی که من بر او وارد می‌دانم در خصوص ردّ روایات و تضعیف منقولات و متهم نمودن برخی از محدثان به اشتباه در روایت یا تصرف یا نقل به معنی است، حال آن‌که در بیشتر اوقات در خصوص بسیاری از اتهامات، هدفی جز اثبات عقیده مورد پسندش و

۱. ابن تیمیه، ذرء تعارض العقل و النقل، ج ۵، ص ۲۳۶.

۲. ابن جوزی، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج ۱، ص ۱۳-۱۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۶.

۴. www.alsunnah.com.

۵. کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج ۱، ص ۱۶.

ردّ دلیل مخالفانش دیده نمی‌شود.^۱ مؤلف کشف الظنون نیز به نقل برخی از تلخیص‌کنندگان این کتاب می‌گوید: دیده‌ام که او در کتاب خود برخی احادیث غیر مشکل را آورده و نیز برخی احادیث مشکل را آورده؛ اما در خصوص آن کلام قانع‌کننده‌ای نیاورده است.^۲

۵. مشکلات الاحادیث النبویة و بیانها از عبدالله بن علی النجدی^۳

مؤلف کتاب در مقدمه می‌گوید: این کتاب حاوی آن دسته از احادیث نبوی است که علوم جدید همچون طب، جغرافیا، فلک و ... در آن اشکال نموده‌اند. در این کتاب، تبیین این احادیث از طریق همین علوم جدید آمده است و خواننده در آن نمونه‌ای عینی برای دفاع از نصوص مقدس دینی و مثالی زنده برای نقد فلسفی عصری می‌یابد.^۴ مؤلف نزدیک به سی

حدیث را در این کتاب ذکر نموده و شبهات معارضان و منکران را در مورد آن احادیث پاسخ داده و به ندرت به احادیث متعارض پرداخته است؛ چرا که هدفش جمع میان خود روایات نبوده است.^۵

۶. مشکلات الاحادیث و الجمع بین النصوص المتعارضة

ناشر این کتاب (زکریا علی یوسف) آن را به گروهی از نوابغ علما نسبت داده است. ظاهراً ناشر، اقوال متعدد علمای متقدم و متأخر مانند ابن تیمیه، ابن حجر و ... را در این کتاب گرد آورده است.^۶

۷. مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار از سید عبدالله شبر^۷

از مهم‌ترین آثار علامه سید عبدالله

۵. www.alsunnah.com

۶. حماد، مختلف الحديث بین الفقهاء والمحدثین، ص ۷۷.

۷. این کتاب در نجف اشرف در سال ۱۳۷۱ توسط مطبعة الزهراء با مقدمه سید جواد شبر و در قم توسط انتشارات بصیرتی افسر گردیده است. در بیروت نیز توسط مؤسسة النور للمطبوعات با تحقیق علی بن محمد علی حسین شبر چاپ گردیده است. در حال حاضر مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث این کتاب را در دستور چاپ قرار داده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۷.

۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۵، ص ۲۱۵.

۳. این کتاب در قاهره (مطبعة الرحمانية، ۱۳۵۳ق) بیروت (دارالقلم، ۱۴۰۵ق) به چاپ رسیده است.

۴. نجدی، مشکلات الاحادیث النبویة و بیانها، ص ۳.

شبر، کتاب مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار است. این کتاب در پی حل مشکلات و تعارض میان اخبار و احادیث امامان علیهم السلام به ویژه در موضوعات اعتقادی است که می‌دانیم همواره از دل مشغولی‌های نویسندگان و فقیهان امامی بوده است.

نویسنده در همه جا با دقت فراوان و بهره‌گیری از دانش وسیع و در عین حال با استفاده از آثار کهن‌تر، به این موضوع پرداخته است.^۱

مباحث و روایات کتاب، در موضوع خاصی نمی‌گنجد؛ بلکه احادیث متنوع و پراکنده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند که پاره‌ای از آن‌ها مربوط به مسائل عقیدتی است و بخشی نیز به مباحث فقهی مربوط است. گاهی نیز در توضیح مطالب به مناسبت، مسائل فلسفی مطرح می‌گردد.

مؤلف ابتدا روایات را با ارائه منبع و سند کامل ذکر می‌کند و سپس با عناوینی همچون بیان، تنبیه، تبصره به شرح و بیان اشکالات و پاسخ به آن‌ها می‌پردازد. وی هنگام پاسخگویی به اشکالات ابتدا اقوال

دانشمندان دیگر را نقل می‌کند و سپس چنانچه خود، تحقیقی افزون بر آن داشته باشد، بیان می‌کند.

از جمله علمایی که وی به نقل دیدگاه‌های آن‌ها پرداخته است؛ عبارت‌اند از: شیخ صدوق، کلینی، شیخ طوسی، علامه حلی، ابن عربی، شیخ بهایی، ملا صالح مازندرانی، محقق داماد، فیض کاشانی، فاضل طیبی، علامه مجلسی، ابن ابی‌جمهور احسائی، سید نعمت الله جزایری و ...^۲

این کتاب از این منظر که کتابی مستقل از شیعه در خصوص مشکل الحدیث است، پدیده‌ای قابل عنایت است؛ به ویژه که در دوره‌های متأخرتر ادبیات شیعی کتاب‌هایی با این موضوع کمتر دیده می‌شود. در این کتاب مجموعاً ۳۵۶ حدیث مورد توجه قرار گرفته است. منقول است که امام خمینی (قدس سره) کتاب مذکور را به خصوص شرح احادیث طینت آن را می‌ستودند.^۳

نتیجه‌گیری

۲. مدنی بجستانی، فرهنگ کتب حدیثی شیعه، ج ۲، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۳. سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۷۱، ص ۳۷۱.

۱. انصاری، سهم سید عبدالله شبر در نزاع اخباری و اصولی، سایت کاتبان.

- عالم الكتب، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۶. ابن قتیبه، ابی محمد عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحدیث، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۷. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۸. احسانی فر لنگرودی، محمد، اسباب اختلاف الحدیث، دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.
۹. انصاری، حسن، سهم سید عبدالله شبّر در نزاع میان اصولی و اخباری، سایت کاتبان (www.kateban.com).
۱۰. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (به همراه ترجمه لاتین، غوستاف فلوغل)، دار صادر، بیروت، بی تا.
۱۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۲. حسینی، سید احمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ش.
۱۳. حماد، دکتر نافذ حسین، مختلف الحدیث بین الفقهاء و المحققین، دارالوفاء، مصر، ۱۴۱۴ق.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۵. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۶. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۱ش.
۱۷. الطریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد کاظم، روش فهم حدیث، جزوه درسی دانشکده علوم حدیث، قم.
۱۹. طبری، ابی جعفر، تهذیب الآثار، مطبعة

۱- مشکل الحدیث شاخه ای است از فقه الحدیث که رسالت دفع شبهه از احادیث را عهده دار می باشد. به عبارتی رسالت فقه الحدیث ابهام زدایی از احادیث است؛ در حالی که مشکل الحدیث علاوه بر رفع ابهام، شبهات را نیز دفع می کند و از این رو رابطه این دو، عام و خاص مطلق است.

۲- از آن جا که مشکل اعم از اختلاف است، می توان مختلف الحدیث را شاخه ای از مشکل الحدیث به شمار آورد.

۳- با احتساب تألیفات مختلف الحدیث در شمار آثار مشکل الحدیثی باید گفت؛ نگارشها در خصوص مشکل الحدیث فراوان اند؛ اما جدای از آثاری که در اختلاف الحدیث نگاشته شده اند، نگارش های مستقل با موضوع عام مشکل الحدیث، به خصوص در شیعه چندان قابل توجه به نظر نمی رسد.

منابع

۱. ابراهیم انس، عبدالحلیم منتصر و...، المعجم الوسیط، دارالدعوة، استانبول، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن تیمیّه، أحمد بن عبد الحلیم، درء تعارض العقل و النقل، دارالکنوز الأدبیة، بی تا، بی جا.
۳. ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمان، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، دارالوطن، ریاض، ۱۴۱۸ق.
۴. ابن فارس، ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن فورک، ابی بکر، مشکل الحدیث و بیانہ،

- المدنی، قاهره، ۱۴۰۲ق
۲۰. طبری، ابی جعفر، تہذیب الآثار (الجزء المفقود)، دراسة و تحقیق علی رضا بن عبد اللہ بن علی رضا، دار المأمون للتراث، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۲۱. الطحاوی، ابی جعفر احمد بن محمد بن سلامة، مشکل الآثار، مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، هند، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳ق.
۲۲. الطحاوی، ابی جعفر احمد بن محمد بن سلامة، مشکل الآثار، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲۳. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الفهرست، مؤسسة نشر الفقاہة، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، دارالاضواء، بیروت، بی تا.
۲۵. عتر، دکتر نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دارالفکر، دمشق، ۱۴۱۲ق.
۲۶. العسفس، ابراہیم، دراسة نقدية فی علم مشکل الحدیث، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۲۷. کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، تہران، ۱۳۶۵ش.
۲۹. مامقانی، عبد اللہ، مقياس الهداية فی علم الدراية، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۳۱. مدنی بجستانی، سید محمود، فرهنگ کتب حدیثی شیعه، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ش.
۳۲. مرعشی نجفی، سید محمود، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۳ش.
۳۳. موسوی و متقی، میر محمود و حسین، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۲ش.
۳۴. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، سمت، ۱۳۸۴ش.
۳۵. معارف، مجید، «ضوابط فهم حدیث در لسان اهل بیت (علیہ السلام)»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۳ش.
۳۶. النجندی القمیصی، عبد اللہ بن علی، مشکلات الأحادیث النبویة و بیانها، المجلس العلمی السلفی، پاکستان، ۱۴۰۶ق.
۳۷. نراقی، ملا محمد مهدی، مشکلات العلوم، تہران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگي، ۱۳۶۷ش.
۳۸. نجاشی، ابی العباس احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۹. النعمانی، محمد بن ابراہیم، الغیبة، مكتبة الصدوق، تہران، ۱۳۹۷ق.
۴۰. النووی الشافعی، محی الدین ابوزکریا یحیی ابن شرف الدین، التقريب و التيسير لمعرفة سنن البشير النذير فی اصول الحدیث، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۶ق.

سایتها

www.kateban.com